



جستجو در متنی

مرتب سازی بر اساس

جستجو در درختواره

خارج فقه
خارج اصول
اخلاق
تفسیر
عقاید

98 ـ ادامه مسأله 37 ـ 02/02/86

بحث در فرع دوم از مسأله 37 در این بود که اگر به کسی پیشنهاد شد که خدمه و یا طبیب و یا روحانی کاروان شود، آیا این پیشنهاد الزام آور است و باید بپذیرد؟

در مسأله سه قول بود:

قول مشهور این بود که الزام آور نیست و لازم نیست بپذیرد، چون تحصیل استطاعت است و تحصیل استطاعت واجب نیست، قول نراقی در مستند، وجوب قبول چیزی پیشنهادی بود و قول سوم قول به تفصیل بود بین جایی که قبول خیلی آسان است و جایی که مشکل و مشقّت داشته باشد.

مرحوم نراقی در عبارت مستند دو دلیل ذکر کرده است که مرحوم آقای خویی هم آنها را در المعتمد آورده و در مستمسک و مهذب هم آمده است. دلیل اوّل این بود که این شخص با پیشنهاد اجاره مستطیع می شود و قبول در واقع تهبّه مقدّمات سفر حج است.

به این دلیل اشکال شده که پیشنهاد اجاره نه استطاعت عرفی است نه عقلی و نه شرعی، چون استطاعت شرعی، زاد و راحله است و پیشنهاد اجاره زاد و راحله می شود. پیشنهاد اجاره استطاعت عرفی هم نیست، دلیل دوم مرحوم نراقی تشبیه منافع انسان به منافع اعیان بود، به عنوان مثال اگر کسی خانه ای دارد که مستاجری می خواهد آن را اجاره کند و اجاره یکسال را یکجا می دهد، آیا صاحب خانه قبل از اجاره منزل مستطیع است؟ بله، عرف او ا مستطیع می داند، چون منافع خانه موجود است و مشتری آن هم موجود است و مالک خانه بالفعل مالک منافع آن است و این منافع فعلاً پول است و عرف او را مستطیع می داند، چرا که استطاعت به پول نقد نیست بلکه اعیان قابل تبدیل به پول و منافع قابل تبدیل به پول هم ایجاد استطاعت می کند. انسان هم مالک منافع خویش است و مشتری هم برای اجاره آن منافع هست و پول آن را هم می دهند، پس چون انسان مالک منافع خویش است مثل منافع خانه سبب استطاعت می شود.

جواب از دلیل دوم:

انسان حر مالک منافع خود نیست، چون مالکیت منافع فرع بر مالکیت عین است و شخص حر مالک خودش نیست تا مالک منافع هم باشد، در مورد عبد شخصی که مالک عبد است مالک منافع آن هم می باشد ولی انسان حر مالک نفس نیست به همین جهت اگر کسی حری را مجبوس کند اصحاب متفقند که ضامن منافع او نیست، یعنی منفعتی نبوده که آن را اتلاف کرده باشد بلکه مانع ایجاد منفعت شده است.

این مسأله کانالی به مسائل دیگر فقه است.

فتنا: ما در مقابل کلام مشهور که می گویند منافع حر مضمون نیست دو جواب داریم:

1- اگر شخصی مالک منافع خویش نباشد، در اجاره چه چیزی را واگذار می کند چون اجاره واگذار کردن منافع است، بنابراین مالک خویشتی نبودن دلیل بر عدم مالکیت بر منافع نیست، ولی وقتی می تواند اجیر شود معنای آن این است که مالی (منافع) دارد که می تواند در اجاره آن را واگذار کند، بنابراین مالکیت منفعت مشروط به مالکیت عین نیست.

2- این که می گویند منافع حرّ مضمون نیست، محلّ کلام است، چون قاعده لاضرر جایی را که کارگری اهل کار است و درآمدی دارد و دیگری مانع منافع و درآمد او شده شامل است و ضامن منافع اوست.

جواب ما از دو دلیل نراقی:

به نظر ما از این راهها مسأله حل نمی شود بلکه حلّال مسأله این است که ببینیم در ما نحن فیه استطاعت عرفی صادق است یا نه؟

این شخص که به او پیشنهاد اجاره شده مثل صاحب خانه نیست چون کسی که خانه دارد منافع موجود است ولی این شخص باید یک ماه زحمت بکشد تا منافع را به دست آورد و او غی خواهد چنین کند پس مستطیع نیست، چون مالک منافع است که با زحمت به دست می آید و این در واقع تحصیل استطاعت است و استطاعت نیست؛ پس نکته فارق این است که منافع خانه و اموال و عبد آماده است ولی منافع حر با این که قابل واگذاری است ولی به سادگی به دست نمی آید و تحصیل استطاعت است؛ بله اگر خیلی به سهولت انجام شود و بدون دردسر و زحمت باشد عرف آن را تحصیل استطاعت می داند.

جمع بندی: ما پیشنهاد اجاره را از قبیل تحصیل استطاعت می دانیم بنابراین پذیرش آن واجب نیست، بله اگر ساده باشد و زحمتی نداشته باشد ممکن است بگوییم استطاعت است، همان گونه که مرحوم فیروز آبادی فرمودند.

فرع سوّم:

عبارت مرحوم امام چنین بود:

ولو أجز نفسه للنبأنة عن الغير فصار مستطیعاً مهال الإجارة فدمّ الحج النبائي إن كان الاستیجار للسنّة الأولى فإن بقيت الاستطاعة إلى العام القابل وجب علیه الحج لنفسه.

عنوان:

اگر کسی ناپب از طرف دیگری برای انجام حج شود و با آن مال مستطیع بشود آیا می تواند برای خودش حج واجب انجام دهد؟

اقوال:

مرحوم صاحب جواهر به تبع در کلام مرحوم محقّق در شرایع در مورد فرع چهارم بحث می کند ولی فرع سوّم هم از آن استفاده می شود.

دلیل:

فرع سوّم بحث چندانی ندارد و دارای سه حالت است:

1- اجیر شده که امسال به حج برود، در این صورت این شخص ولو با این پول مستطیع شود، استطاعت او به خاطر نیابت است و نیابت برای امسال است و اگر نیابت را بجای نیاورد مستطیع نمی شود. غالباً نیابت این گونه است که در این صورت اگر استطاعت تا سال آینده باقی باشد مستطیع است و حج بجای می آورد.

2- مقید نکرده که امسال نیابت بجای آورد و معیّر است بین امسال و سال آینده و پول هم دارد که دو حالت دارد:

(الف) امسال اگر به حج استطاعتی خود برود برای نیابت سال آینده چیزی باقی نمی ماند که در این صورت مستطیع نخواهد بود چون در گرو حج نیایی است.

(ب) پول به اندازه ای است که حج خود را بجای می آورد و به اندازه حج نیایی هم باقی می ماند که در این صورت می تواند حج خودش را بر حج نیایی مقدّم کند.

فرع چهارم:

عبارت مرحوم امام چنین بود:

ولو حج حج بالاجارة أو عن نفسه أو غيره تبرعاً مع عدم كونه مستطیعاً لا یكفيهِ عن حجة الاسلام.

عنوان:

آیا حج نیایی کفایت از حج خودش می کند؟ روایاتی داریم که می گوید کفایت می کند و روایاتی هم داریم که می گوید کفایت نمی کند.

اقوال:

اقوال هم در اینجا مختلف است، بعضی مثل مرحوم سیزواری قائلند که کفایت می کند و بعضی قائلند که کافی نیست.

پی نوشت:

تاریخ انتشار: « 1279/01/01 »

مطالب مرتبط

128 ـ م 46(تَوْفُقُ تَخْلِيَةِ السَّرْبِ عَلٰى قِتَالِ الْعَدُو) ـ 16/03/86

127 ـ ادامه مسأله 45 ـ 13/03/86

126 ـ ادامه مسأله 45 ـ 12/03/86

125 م 45 (ترك الحج مع وجود الشرايط و اتیانہ مع فقد بعضها) ـ 08/03/86

124 ـ ادامه مسأله 44 ـ 07/03/86

123 ـ ادامه مسأله 44 ـ 06/03/86

